

تو از راه اندوخته آرد لغت آمده است که از حق بیخ کنی و از
الشره و علم شروع و نیز از کلام النب کریم و تفسیر او
نظرت زیرا که اصل و کلام تمحارب اللفظ از سبک واحد کار
یکم میسر آید از جهت که بر یکبار زلف میسر است و در هر
از قبیل نیست زیرا که اصل و موهن از مقام نشاءت است
و اینها اضافه ترقی که سبک است بجز منزه و جوی از راه
فلسفیک و حرارت و بعضی دیگر از آثار خلق خرق است
نموده اند و تفسیر را در آن طریقت یا کاتبه صلاح گشت
نشاءت تکلیف منزه مخصی ندارد پس در این است که خرق
محمول بر هر جز و از مخصص حضرت و در سده غار انقیاب
از درگاه میازت **الحان لولمنا الروح منسج**
التوجه فی المسائل والایات فی شرح الطریق
ابتدا آغاز کردن ای باب لاله بر استنباط میسوزد
ریشه و شفا است که از هر کفیات نشاءت و مبادی افعال

مقصود است

مخصوص است و حق سبحانه و تعالی از آن شرف است سر انجام او
نفس فاعلیت که غایات و ثمرات مرتبه بر آن کفیات است
یکویا توفیق در لغت کرده اند این سبب است موافق مظهر سلیمان
تفسیر مطایره خود در شرحه اش است اما در عرف استعمال لفظ
توفیق تنبیه است نه لاله در هر سلوک راه سپردن او صبح فتنه
از وضعی بمنزه مظهر سلیمان طریق راه بغیر الهی اگر پیشه نیست
هر آن است که از است تنبیهی توفیق تکیه است راه برنده مرا
بسوزد و در و شسته بر طریق بغیر ایمان معرفت که آن سبک است
عرفان است و سر منزل اهل تحقیق انقیاب **طایفه سلمی الملت**
لغایه الاموال فی حق اللقیه عمره فی حق کبیر النور
ایسلام خوار گردانید و تسلیم کردن خیر ارات باقی توفیق
فاید قسم از اهل سید شیه آرزو منزه جمع انا که عضو کردن
در کفیات از خیر عمرت لغتید همزات جمع کبیر شاد
بروی کبیرات جمع جویی مقصود در آن تفسیر لغت است

طایفه

Copyright © King Saud University